

## شناسایی ضوابط افتراقی میان تعدد واقعی و مصادیق مجرمانه مشابه

## و ارزیابی واکنش تقنینی با محوریت حالت خطرناک

وحید بازوند<sup>۱</sup> / حسین نورمحمدی<sup>۲</sup>

\* نوع مقاله: ترویجی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۴ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۹

## چکیده

تعدد واقعی به عنوان یکی از گونه های تعدد جرم در اثر رفتارهای مجرمانه متعدد محقق می شود. رکن مادی برخی از جرایم متشکل از افعال مجرمانه متعدد می باشد، اما مجموع این افعال بر مبنای قانون موجب تحقق یک عنوان مجرمانه واحد می شود و از شمول مفهوم تعدد جرم خارج می شود. شباهت این دسته از جرایم با تعدد واقعی جرم گاه در اثر تعدد افعال مجرمانه مستقل می باشد؛ مانند افعال مجرمانه متعددی که بخشی از رکن مادی جرم افساد فی الارض را تشکیل می دهند و در مواردی نیز به جهت اوصاف و ماهیت قانونی این افعال، مانند رکن مادی جرایم مستمر می باشد. مشابهت بین دو مقوله مذکور و عدم وجود ضابطه قانونی مشخص، گاهی موجب چالش هایی در مقام شناسایی، تفکیک و تعیین پاسخ کیفری مناسب می گردد. شناسایی و تفکیک صحیح این مفاهیم و مصادیق از جهت تاثیر این ضوابط، در مرحله کیفرگزینی و تعیین سطح پاسخ به رفتار مجرمانه به دلیل توجه مقنن به مفاهیم بنیادین جرم شناسی بالینی مانند حالت خطرناک، حائز اهمیت است. توجه به نحوه اجتماع اجزاء رکن مادی، اضمحلال رفتار مقدم در موخر با وجود وصف مستقل کیفری و تجزیه رفتار به اعتبار تجزیه پذیری موضوع، ضوابطی است که در این پژوهش به منظور تعیین جرایم واجد افعال متعدد معرفی، سپس نحوه واکنش مقنن در مظان داوری مفهوم حالت خطرناک قرار گرفته است. همچنین این پژوهش منجر به شناسایی برخی مصادیق مانند افساد فی الارض، بغی و نهب و غارت اموال به صورت جمعی گردیده است که تحت سیطره هیچ یک از مفاهیم رایج مذکور قرار نخواهد گرفت.

**واژگان کلیدی:** تعدد رفتار، رفتار مرکب و متکثر، تشخیص افتراقی، مصادیق مجرمانه مشابه، حالت خطرناک.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده پیشگیری از جرم و اصلاح و تربیت، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری تهران. (نویسنده مسئول)

vahidbazvand70@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.  
hosein.normohamadi96@gmail.com



## مقدمه

قوانین جزایی ایران از نظر قواعد تعدد جرم، بعد از نظام مشروطه شاهد تحولات گوناگون بوده است که می‌توان به سیستم تعیین مجازات اشد، سیستم ترکیبی جمع مجازات ها و تعیین مجازات افزون بر حداکثر مجازات اشد اشاره کرد. تعدد جرم از صور کیفیات مشدده عام مجازات محسوب می‌شود. بدین معنا که تحت شرایطی موجب تشدید مجازات می‌شود و در هر کدام از جرایم تعزیری و غیر تعزیری دارای ضوابط و قواعد خاصی می‌باشد. در جرایم تعزیری حسب تعداد جرم ارتكابی و درجه تعزیری این جرایم، تشدید مجازات متفاوت می‌باشد و اعمال قواعد تعدد جرم تا قبل از قطعیت حکم در مورد جرم سابق امکان پذیر می‌باشد. در جرایم موجب حد قاعده جمع مجازات‌ها اجرا می‌شود، البته استثنائاتی نیز وجود دارد.<sup>۱</sup> همچنین ملاک در تشدید برخی جرایم حدی، اجرای مجازات حدی سابق است. برای مثال می‌توان به سرقت حدی مرتبه دوم تا چهارم اشاره نمود که در هر مرحله می‌بایست حد سرقت سابق اجرا شده باشد، تا اینکه حد سرقت جدید مشمول تشدید مجازات گردد. تشدید مجازات ناشی از تعدد جرم از دو بُعد کیفی و جرم شناختی قابل بررسی است. از منظر نظام عدالت کیفری تشدید مجازات شخصی که مشمول تعدد جرم شده است، به منظور حفظ نظم اجتماعی و لزوم تناسب واکنش با عمل مجرمانه ضرورت دارد. همچنین تشدید مجازات به عنوان یکی از شیوه های فردی کردن کیفرها به طور دایم مدنظر متولیان امر عدالت کیفری بوده و می‌باشد و حقوق متهمان را با محدودیت بیشتری مواجه می‌سازد. از دیدگاه جرم شناسی تعدد جرم در برخی موارد می‌تواند بیانگر حالت خطرناک یا نشانه حرفه مجرمانه در مجرم باشد. همین امر باعث برانگیختگی حساسیت مقنن شده و تاثیر آن در رویکرد بازدارندگی از جرم، در قالب تشدید مجازات به عنوان واکنش مقنن به تعدد جرم نمایان می‌شود. در قانون مجازات اسلامی ایران برخی جرایم مانند جرم افساد فی الارض به جهت اینکه رکن مادی آنها متشکل از افعال مجرمانه متعدد می‌باشد، شرایطی شبیه به تعدد جرم دارند؛ لکن در واقع مشمول قواعد تعدد جرم نمی‌شوند. این شباهت در اثر تعدد افعال مجرمانه این جرایم و گاه به جهت ماهیت و اوصاف این جرایم می‌باشد. این موضوع در بسیاری موارد موجب چالش هایی در مقام تشخیص این جرایم و تفکیک آن ها از شمول قواعد تعدد جرم می‌گردد؛ زیرا که مقنن ضوابط تشخیص و افتراق موارد

<sup>۱</sup> ماده ۱۳۲ ق.م.ا. ۱۳۹۲: «در جرائم موجب حد، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ارتكابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد. تبصره ۱- چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجراء می‌شود. تبصره ۲- چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجراء می‌شود؛ مانند تفخیز در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجراء می‌شود. تبصره ۳- اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجراء می‌شود...»



مذکور را بیان نکرده است. از این رو این مقاله بر آن است که ضمن بررسی قواعد تعدد جرم و مبانی مربوطه، قواعد و ضوابط شناسایی جرایمی که رفتار مادی متعدد دارد، لکن مشمول قوانین تعدد جرم نمی گردد را تبیین نماید، تا از جنبه نظری و کاربردی از اشکالات تشخیص و تفکیف این موارد کاسته گردد.

### ۱- گونه شناسی جرایم متعدد

در حقوق کیفری ایران، تعدد جرم از علل تشدید مجازات است. عدالت کیفری و همچنین آموزه‌های جرم شناختی اقتضای آن را دارد که مجازات شخصی که چندین مرتبه مرتکب جرم شده و نظم عمومی جامعه را مختل نموده است با مجازات شخصی که برای اولین مرتبه مرتکب جرم گردیده، متفاوت باشد. به همین دلیل مبحث تعدد جرم در بخش عموماًت قانون مجازات اسلامی ایران پیش بینی گردیده است. تعدد جرم بنابر یک تعریف عبارت است از «ارتکاب جرایم متعدد بدون آنکه متهم برای اتهامات متعدد پیشین خود به محکومیت قطعی کیفری رسیده باشد» (اردبیلی، ۱۳۹۴، ۱۷۴)؛ اعم از اینکه در فواصل کوتاه یا طولانی ارتکاب یافته باشد. تعدد جرم دارای صور مختلفی می باشد: ۱- گاهی شاهد رفتار مجرمانه متعدد با تکرار در رکن مادی جرایم مشابه یا مختلف از جانب مرتکب جرم هستیم که می تواند از طریق فعل یا ترک فعل بروز یابد و هر کدام از این رفتارها وصف مجرمانه مستقل دارند که از این فرض با عنوان «تعدد عینی» (واقعی یا مادی) تعبیر می شود. ۲- در فرض دیگر رفتار ارتكابی توسط شخص مرتکب، واحد بوده لکن دارای عناوین مجرمانه متعدد است و از آن به عنوان «تعداد اعتباری» یاد می شود. ۳- فرض آخر نیز ناظر به نتایج مجرمانه متعدد در اثر رفتار مجرمانه واحد از جانب مرتکب جرم است که قواعد تعدد عینی بر آن حاکم می باشد و مفهوم «تعدد نتیجه» بر آن اطلاق می گردد.

#### ۱-۱- تعدد عینی (جنبه رفتاری)

بارزترین مصداق تعدد جرم، تعدد عینی می باشد. این وضعیت ناظر به شرایطی است که «شخصی مرتکب دو یا چند رفتار مجرمانه مجزا و جداگانه می گردد و هر یک به تنهایی عناصر جرم را در خود جمع می کند، مشروط به اینکه در فواصل ارتکاب آنها درباره هیچ یک حکم محکومیت قطعی صادر نشده باشد، خواه جرم به طور کامل واقع شود یا خیر» (صانعی، ۱۳۸۲، ۷۷۰). در تعدد عینی فاعل واحد و فعل متعدد است. در واقع تکرار در رکن مادی جرایم وجود دارد و بالتبع نتایج حاصل از آن نیز متعدد است (شامبیاتی، ۱۳۸۴، ۴۶۰). با این وصف در مواردی تشخیص تعدد جرم به سهولت امکان پذیر نیست. برای نمونه چنانچه کارمند دولت یک مبلغ معین را در چند نوبت از



شخصی به عنوان رشوه بگیرد، مصداق تعدد جرم نخواهد بود امری که شعبه پنجم دیوان عالی کشور در حکم شماره ۴۶۹ مورخ ۱۳۱۹/۲/۲۶ خود، بر آن صحه گذاشته است (احمد، ۱۳۳۰، ۱۲). مثال مرتبط دیگر که شعبه هشتم دیوان عالی کشور در رای شماره ۵۱۹۵ مورخ ۱۳۳۸/۱۰/۱۲ نسبت به آن رای صادر نموده به این شرح است که: «اگر کارمندی از سه نفر در آن واحد رشوه گرفته باشد، این تقارن زمان موجب عدم رعایت تعدد جرم نخواهد بود». با این حال تعدد عینی جرم به دلیل شرایط خاص ناظر به تکرار رفتار مجرمانه با برخی مفاهیم مشابه در حقوق کیفری از قبیل جرم مستمر، جرم مرکب، جرم به عادت و جرم مرتبط دارای مرزبندی ظریفی است. در ادامه مباحث وجوه افتراق هر کدام از این موارد با تعدد عینی جرم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۱-۲- تعدد اعتباری (جنبه تقنینی)

مفهوم تعدد اعتباری در رابطه با جرایم تعزیری در ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مد نظر مقنن قرار گرفته است. این نوع از تعدد جرم زمانی صادق است که شخص با رفتار مجرمانه واحد، اعم از فعل یا ترک فعل، موجبات نقض دو یا چند ماده قانونی را فراهم آورد (بسامی، ۱۳۹۳، ۳۴). به عبارت دیگر رفتار واحد، متضمن تحقق چند عنوان قانونی مجرمانه گردد. مستفاد از نص قانونی مورد اشاره، از بین عناوین متعدد مجرمانه آن عنوانی که مجازات شدیدتری دارد در خصوص مرتکب جرم اعمال می گردد. برای نمونه تحویل مال امانی به عنوان رشوه به دیگری توسط امین، یک فعل با دو عنوان مجرمانه ی خیانت در امانت و رشاء است، هر کدام از این دو عنوان که دارای مجازات اشد باشد در خصوص مرتکب جرم اعمال می شود. موضوع ماده ۱۳۱ قانون مورد اشاره تعدد اعتباری در قلمرو جرم تعزیری است؛ در مقابل امکان تحقق تعدد جرم در قبال جرایم موجب حد، قصاص و دیه نیز امکان پذیر است. مفاد تبصره ۲ ماده ۱۳۲ ق.ا.م.ا<sup>۱</sup> به امکان اعمال تعدد اعتباری در جرایم موجب حد اشاره نموده است. در خصوص جنایات موجب قصاص نیز شاهد ماده ۲۹۶ همین قانون<sup>۲</sup> می باشیم که پس از سرایت جنایت فقط مجازات اشد یعنی قصاص نفس اجرا

<sup>۱</sup> ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: «در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می شود».

<sup>۲</sup> تبصره ۲ ماده ۱۳۲: «چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجراء می شود؛ مانند تفخیز در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجراء می شود».

<sup>۳</sup> ماده ۲۹۶: «اگر کسی، عمداً جنایتی را بر عضو فردی وارد سازد و او به سبب سرایت جنایت فوت کند، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قتل عمدی محسوب می شود، در غیر این صورت، قتل شبه عمدی است و مرتکب علاوه بر قصاص عضو به پرداخت دیه نفس نیز محکوم می شود».



می‌شود. در نهایت در مورد جنایات موجب دیه هر چند که طبق ماده ۵۳۸ ق.م.ا. اصل بر عدم تداخل دیات می‌باشد، لکن مقنن در مواردی خلاف اصل مذکوررا مقرر نموده است. برای مثال طبق ماده ۵۴۶ قانون مذکور<sup>۲</sup> چنانچه با یک ضربه یا جراحت صدمه بزرگتری پدید آید و رابطه علی و معلولی بین صدمه بزرگتر و ضربه یا جراحت باشد، دیه صدمه کمتر در صدمه بزرگتر تداخل پیدا می‌کند و فقط دیه صدمه بزرگتر قابل مطالبه می‌باشد.

### ۱-۳- تعدد نتیجه (جنبه تبعی)

شکل دیگر تعدد جرم آن است که شخصی مرتکب رفتار مجرمانه واحدی شود که نتایج مجرمانه متعدد در پی داشته باشد. در این نوع تعدد احراز قصد مجرمانه سخت و دشوار می‌باشد (نوربها، ۱۳۸۵، ۴۱۰). تعدد نتیجه در بند (چ) ماده ۱۳۴ ق.م.ا. اصلاحی ۱۳۹۹<sup>۳</sup> پیش بینی شده است و واکنش مقنن در این جا نیز مانند مقررات تعدد اعتباری موضوع ماده ۱۳۱ قانون مذکور است. بدین معنی که در مورد دو نوع از تعدد، مجازات اشد اجرا می‌شود. البته مطابق با اصلاحاتی که با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹، در خصوص برخی مواد قانون مجازات اسلامی صورت گرفت، در تعدد نتیجه نیز مانند تعدد اعتباری مجازات اشد اجرا می‌شود، در حالی که تا قبل از این اصلاحات، طبق تبصره ۱ ماده ۱۳۴ ق.م.ا. ۱۳۹۲<sup>۴</sup> مقررات تعدد عینی در خصوص تعدد نتیجه اعمال می‌گردید. هم چنین متذکر می‌گردد که یکسان بودن نوع مجازات تعدد اعتباری و تعدد نتیجه (مجازات اشد) به این معنی نیست که این دو نوع تعدد مانند هم هستند، بلکه صرفاً نوع مجازات آن‌ها شبیه هم است و از نظر ماهیت باهم متفاوت هستند. در تعدد اعتباری رفتار مجرمانه واحد از جانب مرتکب جرم، نتیجه مجرمانه واحد دارد ولی این رفتار واحد مشمول عناوین قانونی مجرمانه متعدد است؛ اما در تعدد نتیجه، در اثر رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل می‌شود.

<sup>۱</sup> ماده ۵۳۸: «در تعدد جنایات، اصل بر تعدد دیات و عدم تداخل آنها است مگر مواردی که در این قانون خلاف آن مقرر شده است».

<sup>۲</sup> ماده ۵۴۶: «چنانچه به سبب ایراد ضربه یا جراحت، صدمه بزرگتری به وجود آید مانند اینکه با شکستن سر، عقل زائل شود، هرگاه آن جراحت علت و سبب زوال یا نقصان منفعت باشد اگر با یک ضربه یا جراحت واقع شده باشد دیه ضربه یا جراحت در دیه بیشتر تداخل می‌کند و تنها دیه زوال یا نقصان منفعت که بیشتر است پرداخت می‌شود و چنانچه زوال منفعت یا نقصان آن با ضربه یا جراحت دیگری غیر از ضربه‌ای که جراحت را ایجاد کرده است، واقع شده باشد و یا ضربه یا جراحت وارده علت زوال یا نقصان منفعت به گونه‌ای که لازم و ملزوم یکدیگرند، نباشد و اتفاقاً با آن ضربه و جراحت، منفعت نیز زائل گردد یا نقصان یابد، ضربه یا جراحت و منفعت، هر کدام دیه جداگانه دارد».

<sup>۳</sup> بند (چ) ماده ۱۳۴ ق.م.ا. اصلاحی ۱۳۹۹: «در صورتی که در جرایم تعزیری، از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، مرتکب به مجازات جرم اشد محکوم می‌شود».

<sup>۴</sup> تبصره ۱ ماده ۱۳۴ ق.م.ا. ۱۳۹۲: «در صورتیکه از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، طبق مقررات فوق عمل می‌شود».



تعدد نتیجه تابع رکن روانی نتیجه مجرمانه است؛ بدین توضیح که مرتکب جرم زمان ارتکاب رفتار مجرمانه واحد می‌بایست قصد ایجاد تمامی نتایج مجرمانه را داشته باشد یا آنکه علم به وقوع این نتایج داشته باشد. برای مثال شخصی که یک بمب را در منزل دیگری کار گذاشته است و علم و آگاهی داشته باشد که در زمان انفجار صاحب خانه در منزل حضور دارد، ولی مرتکب فقط قصد تخریب ساختمان را داشته باشد و در نتیجه انفجار بمب صاحب منزل کشته شود، همین اندازه از علم مرتکب به حضور صاحب خانه در منزل می‌تواند منجر به تحقق رکن روانی و قصد تبعی مجرمانه شود. در این صورت تعدد نتیجه نیز حاصل می‌گردد و علاوه بر مجازات تخریب عمدی ساختمان، در صورت حصول سایر شرایط قانونی، مجازات قصاص نیز برای مرتکب جرم ثابت می‌شود.

## ۲- ارزیابی مبانی واکنش مقنن

پیش‌بینی مفهوم تعدد جرم در قوانین کیفری ایران به عنوان یکی از علل تشدید مجازات، دارای مبانی جرم شناختی، شرعی و همچنین ریشه در برخی دیدگاه‌ها و مکاتب حقوق کیفری دارد. از منظر جرم شناختی تکرار جرم<sup>۱</sup> در هر شرایطی مبین وجود حالت خطرناک در مجرم است. همین امر موجب حساسیت مقنن گردیده و ممکن است از رویکرد بازدارندگی به منظور تدبیری جهت رفع چالش تعدد یا تکرار جرم استفاده نماید. فُن لیست جرم شناس در تعریف حالت خطرناک می‌نویسد: «هر گاه با توجه به وضع روحی و جسمی مخصوص فرد مجرم، استنباط شود که با وجود اجرای مجازات معمولی نمی‌توان از دست دادن به اعمال مجرمانه خودداری کند، وی دارای حالت خطرناک است» (قاسمی، ۱۳۷۴، ۸۵). مطابق با موازین شرعی، چنانچه شخصی مرتکب چند جرم حدی که نوع و میزان مجازات آن‌ها یکسان بوده شود، فقط یک مجازات در خصوص وی اجرا می‌شود. این قاعده در ماده ۱۳۲ ق.م.ا که قبلاً اشاره گردید، منعکس شده است. قانونگذار هنگامی که با چنین ارفاقی از ناحیه شارع در جرایم حدی مواجه می‌شود، بالتبع و به طریق اولی متقاعد گردیده تا همین قاعده را نیز در جرایم تعزیری که نسبت به جرایم حدی ماهیت خفیف تری دارد، نیز پیش‌بینی نماید.

<sup>۱</sup> «تکرار جرم» در جرم شناسی مفهومی عام است که با مفهوم تکرار جرم مذکور در قانون مجازات اسلامی ایران متفاوت است. در جرم شناسی تکرار جرم هم شامل تعدد جرم و هم تکرار جرم مدنظر قانون جزای عمومی ایران می‌باشد و ملاک آن است که مجرم مجدداً مرتکب جرمی شود چه آنکه برای جرم سابق وی محکومیت صادر شده یا نشده باشد. هم چنین اهمیتی ندارد که تکرار جرم قبل یا بعد از قطعیت محکومیت به جرم سابق باشد. پس تعدد جرم در قانون مجازات ایران همان تکرار جرم مد نظر جرم شناسان است.



در دیدگاه عدالت محور، مجازات فردی که مرتکب چند جرم شده و ارزش های متعدد اجتماعی را نقض کرده است، می بایست شدیدتر از مجازات فردی باشد که تنها مرتکب یک جرم شده است (محمودی جانکی و آقای، ۱۳۸۷، ۳۳۹)؛ اما گاهی قانون گذار از آموزه های مکتب کیفری عدالت مطلق فاصله گرفته و مصلحت و فایده اجتماعی را مد نظر قرار می دهد، بدون آنکه تحت تأثیر عدالت یا اخلاق کانتی یا موازین فقهی قرار بگیرد (کلانتری و جعفریان سوته، ۱۳۹۴، ۲۵). فرض کنیم شخصی هفتاد ساله مرتکب دو جرم تعزیری شود که هر کدام دارای مجازات سی سال حبس می باشد. اگر قائل به قاعده جمع مجازات ها باشیم، می بایست مجموعاً شصت سال حبس برای محکوم در نظر گرفت. با کمی دقت می توان متوجه شد که با تعیین شصت سال حبس به عنوان حکم محکومیت مجرم، اهداف مجازات مخصوصاً بازدارندگی خاص در خصوص شخص محکوم و جامعه محقق نمی شود و نفعی برای اجتماع در پی ندارد. از این رو در چنین مواردی مقنن پیش بینی قواعد تعدد جرم و اعمال آن را به عنوان راه حلی که متضمن نفع فرد و جامعه باشد، مدنظر قرار می دهد.

## ۲-۱- مدل های مرسوم در حقوق کیفری

با بررسی ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ و قانون مجازات فعلی مشخص می شود که مقنن در مقام پاسخ به مقوله تعدد جرم رویکردهای متفاوتی را ارائه نموده است و حسب نوع جرم (حدی یا تعزیری)، تعداد جرایم ارتكابی و اجرا یا عدم اجرای مجازات، واکنش های مختلفی را تعیین و ارائه نموده است. شیوه های تعیین مجازات عبارتند از: ادغام کیفر و تعیین مجازات اشد، قاعده جمع مجازات ها، مجازات اشد در تعدد اعتباری و تعدد نتیجه و تعیین مجازات واحد در جرایم حدی.

### ۲-۱-۱- ادغام کیفر

تعدد جرم یکی از علل مشدده کیفر در قانون مجازات اسلامی است که قواعد آن در بخش عموماً قانون مذکور پیش بینی گردیده است. همانطور که اشاره گردید اعمال مجازات باید فایده عملی در پی داشته باشد؛ به همین سبب قانون گذار تشدید مجازات را از طریق جمع مجازات ها دنبال نکرده است. به عنوان مثال چنانچه فردی مرتکب چند جرم گردیده که در صورت جمع مجازات محکوم به تحمل حبس بیش از عمر طبیعی یک انسان شود، در عمل بیهوده و غیرمنطقی است. از این رو مقنن در ماده ۱۳۴ ق.م.ا. اصلاحی ۱۳۹۹ چنین پیش بینی کرده است که بین جرایم ارتكابی متعدد مشابه و مختلف تفکیک صورت گیرد. بدین صورت که ۱- زمانی که جرایم ارتكابی مشابه هستند تنها یک مجازات تعیین می شود و در صورتی که جرایم ارتكابی مختلف باشد، چند مجازات



تعیین می شود. البته در هر دو صورت مجازات اشد اجرا می شود. ۲- در جرایم متعدد مشابه تشدید مجازات اختیاری است اما در جرایم ارتكابی مختلف، تشدید مجازات اجباری است. با این اوصاف ذکر این نکته ضروری است که در اینجا منظور از «تشدید»، تعیین مجازات به میزان میانگین حداقل و حداکثر جرایم ارتكابی می باشد که حسب اینکه جرایم ارتكابی تا سه جرم باشد و یا بیشتر از آن و همچنین اینکه جرایم متعدد، مشابه یا مختلف بوده، متفاوت است. در واقع تشدید زمانی معنی دارد که مجازات مرتکب بیش از حداکثر تعیین شود و تعیین خود حداکثر را نمی توان تشدید دانست (اردبیلی، ۱۳۸۰، ۲۲۸). در ماده ۱۳۴ تشدید به معنای تعیین مجازات بیش از حداکثر قانونی، اختیاری می باشد. یکی از تفاوت های این مستند قانونی با تعدد عینی موضوع قانون ۱۳۹۲ آن است که در قانون اخیر چنانچه تعداد جرایم تعزیری مشابه یا مختلف بیشتر از سه جرم بوده تشدید مجازات (مجازات بیش از حداکثر قانونی) الزامی اما در قانون ۱۳۹۹ این امر اختیاری است. به نظر می رسد علت این رویکرد افتراقی، سیاست های کاهش جمعیت کیفری در زندان ها و جایگزینی پاسخ های اصلاحی به جای پاسخ های سرکوبگر می باشد، هر چند که در عمل پاسخ جایگزین مناسب ارائه نگردیده است.

## ۲-۱-۲- تجمیع مجازات ها و مطالعات نوین

مطابق با آنچه قبلاً ذکر شد قانونگذار در ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ در جرایم تعزیری مختلف از قاعده جمع مجازات ها پیروی می کرد. هم اکنون قانون مجازات فعلی از این قاعده تبعیت نکرده و قائل به اعمال مجازات اشد در جرایم تعزیری متعدد می باشد. البته در برخی موارد قاعده جمع مجازات ها مورد توجه مقنن قرار گرفته است از جمله: ۱- برخی جرایم تعزیری که دارای مجازات متعدد می باشد مانند جرم قاچاق اموال تاریخی - فرهنگی موضوع ماده ۵۶۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵<sup>۱</sup> که دارای جمع مجازات های حبس و جزای نقدی است. ۲- تعدد مادی در جرایم حدی از نوع مختلف ۳- تعدد مادی جرایم حدی و غیر حدی. با این حال این موارد نیز مطلق نبوده و برای مثال جایی که یکی از مجازات های حدی اعدام است، فقط اعدام قابل اجرا می باشد یا در جای دیگر مجازات حق الناسی بر مجازات حدی ارجحیت دارد.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> ماده ۵۶۱ قانون تعزیرات ۱۳۷۵: «هرگونه اقدام به خارج کردن اموال تاریخی - فرهنگی از کشور هر چند به خارج کردن آن نیانجامد قاچاق محسوب و مرتکب علاوه بر استرداد اموال به حبس از یک تا سه سال و پرداخت جریمه معادل دو برابر قیمت اموال موضوع قاچاق محکوم می گردد».

<sup>۲</sup> تبصره ۱ ماده ۱۲۲: «چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجراء می شود».

ماده ۱۳۳: «در تعدد جرائم موجب حد و قصاص، مجازات ها جمع می شود، لکن چنانچه مجازات حدی، موضوع قصاص را از بین ببرد یا موجب تأخیر در اجرای قصاص گردد، اجرای قصاص، مقدم است و در صورت عدم مطالبه فوری اجرای قصاص یا گذشت یا تبدیل به دیه، مجازات حدی اجراء می شود».





## ۲-۱-۳- مجازات اشد مبتنی بر عدم استحقاق تفسیر نافع

یکی از گونه‌های تعدد جرم در قانون مجازات تعدد اعتباری است که منجر به اعمال مجازات جرم اشد علیه مجرم می‌گردد. این حالت زمانی محقق می‌شود که یک رفتار، واجد دو یا چند عنوان مجرمانه از نوع تعزیری باشد که در این صورت مستفاد از ماده ۱۳۱ ق.م.ا. صرفاً مجازات اشد مورد حکم قرار می‌گیرد. البته قبلاً ذکر گردید که تعدد اعتباری در برخی جرایم حدی مانند آنچه که در تبصره ۲ ماده ۱۱۳۲ مورد اشاره قرار گرفته و یا در جرایم موجب قصاص یا دیه قابل تحقق است و مختص جرایم تعزیری نمی‌باشد. هم‌چنین به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ در تعدد نتیجه نیز مانند تعدد اعتباری، مجازات اشد در مورد مرتکب جرم در نظر گرفته می‌شود. در تعدد اعتباری به نظر می‌رسد که انتخاب مجازات اشد به جای تفسیر به نفع متهم و انتخاب مجازات اشد، در اثر اعتقاد مقنن به حالت خطرناک مجرم در موارد تعدد نتیجه و آثار مجرمانه متعدد از جنبه عنوانی در تعدد اعتباری می‌باشد. به این صورت که مقنن مجازات اشد را پاسخ یا واکنشی متناسب در قبال رفتار مجرم در تعدد اعتباری یا تعدد نتیجه تلقی می‌نماید.

## ۲-۱-۴- مجازات واحد در جرایم حدی

در ماده ۱۳۲ ق.م.ا. برای جرایم حدی با مجازات یکسان قاعده جمع مجازات‌ها منتفی و انتخاب مجازات واحد پیش‌بینی شده است. به عنوان مثال، چنانچه فردی مرتکب چندین سرقت حدی شده باشد، صرفاً به یک مجازات حدی محکوم خواهد شد. قانون‌گذار در پیش‌بینی قاعده مذکور در ماده ۱۳۲، تحت تاثیر موازین فقهی قرار داشته است، زیرا هر چند رفتار مرتکب ظاهراً تعدد مادی است، اما این موضوع مورد اغماض قرار گرفته و گویی مرتکب صرفاً مرتکب یک جرم شده است. شهید ثانی (ره) در مثال سرقت‌های حدی متعدد علت تعیین مجازات واحد را اینگونه بیان کرده است که «در حدود با تکرار سبب واحد (جرم)، مسبب (مجازات) تکرار نمی‌شود؛ زیرا در غیر این صورت تداخل اسباب ایجاد می‌شود و معلوم نخواهد شد که هر مسبب در ازای کدام سبب اعمال شده است» (شهید ثانی، ۱۳۷۹، ۳۸۴).

<sup>۱</sup> تبصره ۲ ماده ۱۳۲: «چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجراء می‌شود؛ مانند تفخیز در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجراء می‌شود».



## ۲-۲- مدل جرم شناختی

در علم جرم شناسی در خصوص مبانی مجازات بزهکار چند پرسش مطرح می‌شود. اول آن که چرا باید بزهکار را مجازات کرد؟ از میان بزهکاران، کدام دسته واجد شاخص های خطر هستند؟ سوال دیگر اینکه اختیار یا حق مجازات بزهکارانی که دارای حالت خطرناک بوده و جرایم متعددی را مرتکب شده اند، از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ در ادامه به بررسی پاسخ این سوالات خواهیم پرداخت. مفهوم حالت خطرناک نخست سال ۱۸۳۸ میلادی در دانش روان پزشکی مطرح و سپس به وسیله گاروفالو<sup>۱</sup> بین سالهای ۱۸۷۸ تا ۱۸۸۵ وارد جرم شناسی شد. گاروفالو ابتدا، حالت خطرناک را در رابطه با «ظرفیت و استعداد مجرمانه»<sup>۲</sup> عنوان نمود و در مرحله دوم، «سازش پذیری»<sup>۳</sup>، یعنی درجه انطباق و جامعه پذیری مجرم را در مفهوم وسیع تری از حالت خطرناک مورد تاکید قرار داد. ظرفیت و استعداد جنایی و سازش پذیری، دو رکن تشکیل دهنده حالت خطرناک هستند که مستقل از یکدیگر قابلیت تغییر دارند. درجات و حالت خطرناک بزهکاران تحت تقسیم بندی ذیل ارائه شده است:

حالت نخست: در این حالت، استعداد جنایی و قابلیت اجتماعی یا سازش پذیری بزهکار بسیار بالا است. این دسته از بزهکاران که معمولاً از آنها با عنوان مجرمین یقه سفید یاد می‌شود، اعمال مجرمانه زیادی را مرتکب می‌شوند و به ندرت در چنگال عدالت کیفری گرفتار می‌شوند (بابایی، ۱۳۹۸، ۳۷). مجرمان یقه سفید، دارای اقتدار و وجهت اجتماعی و سیاسی بالا هستند و در پناه ظاهر فریبنده و استعداد فکری ممتاز خود، دست به ارتکاب جرایمی چون کلاهبرداری، اختلاس، سوء استفاده از کارتهای اعتباری و جرایم رایانه ای در سطح کلان می‌زنند.

حالت دوم: حالتی است که استعداد جنایی بالا است، ولی قدرت سازگاری و انطباق اجتماعی بسیار پایین است. این گروه در مقایسه با گروه اول خطر کمتری دارند. عدم سازگاری آنها با جامعه، موجب جلب توجه دست اندرکاران سیستم عدالت کیفری و دستگیری آنها توسط ضابطین دادگستری می‌شود. برخی از جرم شناسان، «بزهکاران حرفه ای» را در این دسته قرار داده اند (بابایی، ۱۳۹۸، ۳۸-۳۷).

<sup>۱</sup> Raffaele Garofalo، جرم شناسی ایتالیایی و پیرو مکتب اثبات گرایی، قرن ۱۹ میلادی.

<sup>۲</sup> criminal capacity

<sup>۳</sup> adaptability



حالت سوم: در این حالت مجرمان دارای ظرفیت جنایی بالا و قابلیت انطباق اجتماعی پایین هستند. این گروه به نسبت دسته اول و دوم از خطر کمتری برخوردارند. در بین این بزهکاران، افراد فاقد تعادل روانی قرار دارند. جرم شناسان مجرمان به عادت را در این دسته قرار داده اند.

حالت چهارم: مربوط به اشخاصی است که ظرفیت جنایی آنها پایین، ولی قابلیت اجتماعی آنان بالا است. این افراد خطرناک محسوب نمی شوند، زیرا در شرایط و اوضاع و احوال ویژه ای دست به ارتکاب جرم می زنند و در شرایط عادی هیچ گونه تهدیدی از سوی آنها جامعه را تهدید نمی نماید. بنابراین، این دسته از مجرمان، در جرگه مجرمان خطرناک قرار نخواهند گرفت. بزهکاران اتفاقی و هیجانی، نمونه بارزی برای این دسته از بزهکاران می باشند (دانش، ۱۳۷۶، ۳۳۳). این حالت اخیر در واقع بیان گر ویژگی نسبی بودن حالت خطرناک است. در ارتباط با مبنای مجازات بزهکاران دارای حالت خطرناک نیز باید عنوان نمود که فایده گرایان<sup>۱</sup> اعتقاد دارند اگر مجازات ناظر به آینده بوده و از اعمال آن سودی حاصل گردد، بنابراین می توان آن را پذیرفت. در مقابل سزاگراها<sup>۲</sup> که طرفدار آنند هرکس باید متناسب با شدت جرم خود مجازات شود (یزدیان جعفری، ۱۳۸۵، ۴۲)، معتقدند که آینده را باید به آینده واگذار کنیم، ماکنون در معرض زیان قرار گرفته ایم و باید برای آن چاره اندیشی کنیم. مجازات جبران بدی یا بدی است و گریزی از آن نیست (ساداتی، ۱۳۹۶، ۱۰۱). تعدد جرم یکی از نشانه های حالت خطرناک در بزهکار است، لذا ذهن دستگاه عدالت کیفری را به این موضوع معطوف می نماید که در مقابل چنین شخصی که تهدیدی علیه نظم و امنیت جامعه محسوب می گردد، باید واکنش شدیدتری نسبت به سایر اشخاص بزهکار در نظر گرفت. البته نوع واکنش مقنن حسب مطلق دانستن مفهوم حالت خطرناک یا تفکیک در صور آن می تواند متفاوت باشد که در ادامه مورد اشاره قرار می گیرد.

## ۲-۲-۱- مبتنی بر اطلاق مفهوم حالت خطرناک

اصطلاح حالت خطرناک از ابداعات گاروفالو، دانشمند جرم شناس مکتب اثبات گرایی<sup>۳</sup> بود. از دیدگاه این مکتب می بایست بین شخصی که مرتکب چند جرم مشابه و شخصی که مرتکب چند جرم مختلف شده، تفاوت قائل شد و متناسب با هر کدام واکنش مناسب را تجویز نمود. شخصی که جرمی را متناسب با شخصیت خود برگزیده و آن را طریق تأمین زندگی و مآرمعاش

<sup>1</sup> Utilitarians

<sup>2</sup> Retributivists

<sup>3</sup> Positivism



خود قرار می‌دهد، بزهکار حرفه‌ای تلقی می‌شود (کی نیا، ۱۳۸۱، ۱۷۴). به عنوان مثال واکنش جرم شناسان در قبال رفتار مجرمانه بزهکار حرفه‌ای، پیشنهاد جایگزین شغلی هنجارمند و مقبول اجتماع برای بزهکار است. مثلاً کسی که سارق حرفه‌ای است و امرار معاش وی از طریق سرقت صورت می‌گیرد، می‌بایست در شغلی مانند نجاری یا هر شغل متناسب دیگر به کار گرفته شود تا دیگر مرتکب جرم سرقت نگردد یا حداقل تمایل وی را به ارتکاب سرقت مجدد کاهش داد. از سوی دیگر کسی که مرتکب جرایم مختلفی مانند جعل، سرقت و ضرب و جرح می‌گردد، از منظر جرم شناسی ممکن است حسب مورد به عنوان مجرم به عادت، مجرم حادّ یا مزمن و... معرفی گردد. اینکه مجرم در کدام دسته از طبقه بندی مجرمان قرار می‌گیرد می‌تواند پاسخی متفاوت و متناسب برای بزهکاری ایشان پیش‌بینی و ارائه گردد. برای مثال در تفسیر نوع واکنش به بزهکاری مجرم مزمن ابتدا باید براین نکته واقف بود که حالت خطرناک مزمن به یک وضعیت یا کیفیت روان شناختی و اخلاقی که دارای خصوصیات ضد اجتماعی است اطلاق می‌شود (کی نیا، ۱۳۸۱، ۴۰). برای این دسته از مجرمین که پاسخ‌های اصلاحی یا درمانی در خصوص آنها مفید واقع نشده، مجازات‌های سنگین مانند حبس طولانی مدت به منظور سلب توان بزهکاری این افراد توصیه می‌گردد و هدف آن است که جامعه از آسیب این افراد مصون بماند. براین اساس می‌بایست ابتدا نوع مجرم و حالت خطرناک وی مشخص گردد و سپس متناسب با نوع جرم و شخصیت مجرم پاسخ مناسب را تجویز کرد. به تعبیر دیگر زمانی که با جرایم سنگین و مجرمین حادّ یا مزمن مواجه هستیم می‌بایست از رویکرد بازدارندگی و تشدید مجازات استفاده کرد و زمانی که با جرایم خفیف‌تر و مجرمینی که حالت خطرناک نداشته، مثلاً به صورت اتفاقی و تحت تاثیر هیجانات نفسانی مرتبه چند جرم مختلف شده‌اند، واکنش و پاسخ نیز می‌بایست خفیف‌تر و رویکرد ارفاقی داشته باشد. قانونگذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مفهوم تعدد جرم را با مفهوم مطلق حالت خطرناک مترادف می‌داند و به همین سبب واکنش و پاسخی مشابه را به صورت تشدید مجازات در مقابل انواع تعدد جرم پیش‌بینی نموده است. به عبارت دیگر از دیدگاه مقنن کسی که مرتکب جرایم متعدد می‌گردد، به‌طور مطلق دارای حالت خطرناک می‌باشد و در مقام اعمال مجازات تفکیکی بین نوع جرم، شخصیت مرتکب جرم، شرایط و اوضاع و احوال جرم و نحوه ارتکاب جرم صورت نمی‌گیرد.<sup>۱</sup> از این رو پاسخ و واکنش مقنن نیز در هر حالت به صورت تشدید مجازات در قانون مجازات اسلامی ظهور یافته است.

<sup>۱</sup> باید دقت نمود که منظور نگارندگان از عبارت عدم تفکیک، در واقع مربوط به مرحله اجرای مجازات در محبت تعدد جرم است زیرا که در ق.م.ا. تخفیف مجازات را نهادهای ارفاقی در جرایم تعزیری در راستای اصل تفرید مجازات‌ها به منظور تعیین مجازات متناسب با شخصیت مجرم و شرایط ارتکاب جرم، پیش‌بینی گردیده است؛ هم چنین قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ در تعدد عینی بین جرایم مشابه و مختلف صرفاً در مرحله تعیین کیفر تفکیک قائل شده است.



با در نظر داشتن آموزه های جرم شناسی و به طور خاص رویکردهای اثبات گرایانه، دیدگاه قانون گذار کیفری ایران از دو جنبه قابل انتقاد به نظر می رسد. اول، اینکه مطابق با تقسیم بندی ناظر به حالت خطرناک در بزهکاران، صرف اینکه تعدد جرم مترادف با حالت خطرناک دانسته شود، دارای ایراد می باشد. چه آنکه ممکن است شخصی معقول و قانون مدار تحت تاثیر شرایط خاص مانند بحران اجتماعی و فشارهای بیرونی مرتکب جرایم متعددی شود، به نحوی که در این شرایط انتظار ارتکاب این جرایم توسط هر شخص معقول دیگر، امری دور از ذهن نمی باشد. بر همین اساس و مطابق با الگوی منتخب مقنن چنین شخصی در قالب مجرم خطرناک قلمداد و پاسخ کیفری نیز در همین چارچوب پیش بینی شده است؛ این در حالی است که علاوه بر عقیده جرم شناسان، از جنبه اجتماعی و حتی از منظر روانشناختی بعید است چنین شخصی به عنوان یک مجرم خطرناک معرفی شود. دوم، حتی با فرض اینکه مرتکبین جرایم متعدد توسط قانون گذار به عنوان مجرم خطرناک معرفی شوند، واکنش تقنینی یکسان از نوع تشدید کیفر برای مجرمین با حالات و طبقه بندی متفاوت، متناسب و منطقی به نظر نمی رسد. به عنوان مثال گزینه تشدید کیفر برای مجرمین اتفاقی پاسخی مناسب نخواهد بود؛ زیرا این دسته از مجرمین در شرایط خاص مانند فوران هیجانات درونی و یا فشارهای بیرونی توأم با نوعی اکراه خفیف مرتکب جرم می شوند و غالباً بعد از ارتکاب جرم نیز از رفتار خود اظهار ندامت می کنند. راهکار و واکنش منطقی در قبال کنش های مجرمانه این دسته از اشخاص می بایست از نوع پاسخ های جایگزین یا ارفاقی بوده که هم منجر به پیشگیری از تکرار جرم و هم بازگشت بزهکار به چرخه طبیعی زندگی اجتماعی تحت نظارت قانون باشد. اما در صورتی که واکنش از نوع تشدید کیفر و سرکوبگرانه مانند حبس باشد، با ریسک بالای تبدیل یک مجرم عادی (اتفاقی) به مجرم واقعی (حرفه ای، به عادت و...) مواجه خواهیم بود. نظریه برجسب زنی<sup>۱</sup> در جرم شناسی نیز موید این دیدگاه است.

## ۲-۲-۲- مدل معیوب تفکیک در صور حالت خطرناک

همانگونه که اشاره گردید لازم است که انواع حالت خطرناک مجرمین از هم تفکیک و متناسب با هر کدام از این حالات، با در نظر داشتن نوع جرم و شرایط پیرامون ارتکاب جرم، پاسخ متناسب

<sup>۱</sup> بسیاری از جرم شناسان رد پای نظریه برجسب زنی را به کتاب «جرم و اجتماع» ۱۹۲۸ میلادی اثر فرانک تانن بام باز می گردانند. او معتقد بود وقتی فردی به عنوان بزهکار دستگیر می شود این برجسب (بزهکاری) علاوه بر اینکه می تواند تصویر شخص از خودش را تغییر دهد موجب می شود تا مردم نسبت به آن برجسب و نه به خود آن فرد واکنش نشان دهند. در ادامه و طی این فرایند با تثبیت خود انگاره مجرمانه در شخصیت مرتکب جرم وی تبدیل به مجرم واقعی شده که مجدد به سمت تکرار جرم سوق پیدا می کند. لکن این تفکر تانن بام عنوان برجسب زنی به خود نگرفت تا اینکه در سال ۱۹۶۳ آقای هوارد بکراستاد دانشگاه شیکاگو نظریه تانن بام را روز آمد کرد و تئوری برجسب زنی (Labelling theory) یا انگ زنی یا لکه زنی (stigmatization) را ارائه کرد.



درباره مجرم تجویز گردد. قانون گذار در ماده ۴۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ بین تعدد عینی جرایم مشابه با جرایم مختلف تفاوت قائل شده بود؛ به نحوی که در تعدد جرایم مشابه مانند چند سرقت تعزیری صرفاً یک مجازات با رعایت علل مشدده تعیین می گردید و در جرایم مختلف از قاعده تجمیع مجازات ها پیروی می کرد. در ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ تفکیک مذکور بین جرایم مشابه و مختلف منتفی گردید و حسب مورد چنانچه تعدد عینی تا سه جرم باشد یا بیشتر از سه جرم، مجازات ها به نحو مشدده تعیین، اما از بین آن ها تنها مجازات اشد قابل اجرا می باشد. در اصلاحات تقنینی سال ۱۳۹۹ در نتیجه تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری نیز مشابه ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ در خصوص جرایم متعدد مشابه و مختلف اقدام شده است. با این تفاوت که نوع تشدید مجازات حسب این که تا سه جرم یا بیشتر از سه جرم باشد، هم در جرایم متعدد مشابه هم مختلف، متفاوت می باشد و اینکه در جرایم مشابه تشدید مجازات اختیاری بوده اما در جرایم مختلف الزامی می باشد. الگوی واکنش تقنینی در قوانین مجازات سال های ۱۳۷۰ و ۱۳۹۹ نسبت به تعدد عینی جرم به این نحو است که در مقام شناسایی شخصیت بزهکار و تشخیص حالت خطرناک تا حدودی از الگوهای جرم شناسی پیروی شده است. به عبارت دیگر بین مرتکبین جرایم متعدد مشابه (مانند کسانی که سرقت را حرفه مجرمانه خود قرار داده اند) و کسانی که مرتکب جرایم مختلف می شوند صرفاً در مرحله ی شناسایی و تشخیص تفکیک قائل شده است؛ اما ایراد قابل ملاحظه آن است که در مقام پاسخگویی به رفتارهای ارتكابی هر کدام از این مجرمین از تجویز ها و واکنش های متناسب جرم شناختی استفاده نشده است، بلکه صرفاً برای تمام موارد، واکنش در قالب تشدید مجازات را پیش بینی نموده است. به تعبیر دیگر قانونگذار در مقام شناسایی و تشخیص انواع بزهکاران مثبت اقدام نموده ولی در مقام عمل و پاسخ دهی مناسب عقیم عمل نموده است.

### ۳- ضوابط تشخیص افتراقی در تعدد تقنینی

در تعدد واقعی گاه تصور می شود که مجموع افعال مجرمانه، دارای عنوان مجرمانه خاص است. به عبارت دیگر ممکن است مجموعه افعال مجرمانه به عنوان جرم استمرار یافته، جرم مرکب، جرم به عادت و جرم مقدمه در نظر گرفته شود. در حالی که در تعدد واقعی هر کدام از افعال مجرمانه یا

۱ ماده ۴۷ ق.م.ا. ۱۳۷۰: «درمورد تعدد جرم هرگاه جرایم ارتكابی، مختلف باشد باید برای هریک از جرایم، مجازات جداگانه تعیین شود و اگر مختلف نباشد فقط یک مجازات تعیین می گردد و در این قسمت تعدد جرم می تواند از علل مشدده ی کیفر باشد و اگر مجموع جرایم ارتكابی در قانون، عنوان جرم خاصی داشته باشد مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می گردد. تبصره: حکم تعدد جرم در حدود و قصاص و دیات همان است که در ابواب مربوطه ذکر شده است.»



رفتارهای ارتكابی به تنهایی جرم مستقل می‌باشند و قاعده تعدد جرم در رابطه با آنها اعمال می‌شود.

### ۳-۱- تکثر رفتار (نفی استمرار)

از مهمترین وجوه تشابه جرم استمرار یافته با تعدد مادی جرم آن است که در جرم استمرار یافته یا جرم جمعی متحد المقصد، یک جرم آنی به دفعات تکرار می‌شود، اما اعمال مجرمانه مشابه ولی متعدد، در طول زمان استمرار می‌یابد (پیمانی، ۱۳۷۴، ۳۸). به عنوان مثال چنانچه فردی قصد تخریب عمدی مال دیگری را نماید و طی چند مرتبه در چند روز به محل استقرار مال مراجعه نمایند و هر دفعه قسمتی از آن مال را تخریب نماید، ظاهر آن است که شخص مذکور با افعال مجرمانه متعدد مستقل مرتکب چند جرم تخریب عمدی شده است و مشمول مقررات تعدد عینی جرم شود؛ اما در واقع این گونه نیست زیرا مجموع این افعال یک جرم واحد استمرار یافته را تشکیل می‌دهند. وجه افتراق جرم استمرار یافته با تعدد عینی جرم در هدف و مقصود واحدی است که در جرم استمرار یافته در ذهن مرتکب جرم وجود دارد. به عبارت دیگر در مثال تخریب عمدی هدف و قصد مرتکب، تخریب عمدی مال دیگری است؛ خواه این نتیجه از طریق یک فعل یا طی چندین مرحله و با افعال متعدد انجام شود. به همین سبب با آنکه هر عملی که صورت می‌گیرد مستقلاً جرمی آنی است، بر مجموع اعمال مجرمانه، جرم استمرار یافته اطلاق می‌گردد و مشمول احکام جرم مستمر قرار می‌گیرد (صانعی، پیشین، ۴۴۳).

### ۳-۲- اجتماع اجزاء رکن مادی (نفی جرایم ترکیبی)

برخی از حقوقدانان جرم مرکب را جرمی می‌دانند که رکن مادی آن از اعمال مختلف تشکیل شده و به قصد تحقق نتیجه واحد ترکیب یافته باشد (اردبیلی، ۱۳۹۲، ۳۰۹). این تعریف دارای ایراد است و نمی‌تواند معیاری قابل اتکاء برای تعریف جرم مرکب باشد. زیرا همین معیار در جرایم ساده از نوع مقیدمانند قتل وجود دارد. بدین معنی که در جرم قتل نیز رکن مادی متشکل از دو قسمت «رفتار مادی» مرتکب از قبیل ایراد جرح یا شلیک گلوله و همچنین سلب حیات به عنوان «نتیجه» است. با این تفاسیر می‌توان بیان داشت جرم مرکب جرمی است که رکن مادی آن از چند جزء تشکیل شده است و ارتکاب هر یک از این اجزاء (رفتارها) یا به تنهایی جرم نیست یا موجب تحقق جرم دیگری غیر از جرم مرکب مورد نظر می‌شود. بنابراین برای تحقق جرم مرکب، تمامی اجزای رکن مادی می‌بایست موجود باشد. برای نمونه می‌توان به جرم مذکور در تبصره ماده ۵۱۰ ق.م.ا.ت



۱۳۷۵ اشاره کرد که از سه جزء «شناسایی، جذب و معرفی به کشورهای بیگانه» تشکیل شده است. بسیاری از حقوقدانان نمونه بارز جرم مرکب را جرم کلاهبرداری می‌دانند (الهام، ۱۳۷۲، ۱۱). این عقیده محل تأمل است زیرا که در جرم مرکب تمامی اجزای رکن مادی می‌بایست توسط مرتکب صورت گیرد، حال آنکه در جرم کلاهبرداری صرفاً دو جزء توسل به وسایل متقلبانه و بردن مال دیگری توسط مرتکب صورت می‌گیرد و جزء اغفال و فریب خوردن قربانی، در واقع وصف یا واکنشی متعلق به بزه دیده است. به عبارت دیگر جزء اخیر را می‌توان از جمله شرایط و اوضاع و احوال جرم کلاهبرداری دانست و مانند جرایم مقید رکن مادی کلاهبرداری را محدود به توسل به وسایل متقلبانه به عنوان «رفتار فیزیکی» و بردن دیگری (محروم نمودن مالک از مالش) به عنوان «نتیجه» دانست. با تفاسیر فوق مشخص می‌شود که در جرایم مرکب اجزای رکن مادی در مجموع یک جرم واحد را تشکیل می‌دهند و از شمول مقررات تعدد واقعی جرم خارج می‌باشد.

### ۳-۳- استقلال وصفی (نفی جرایم به عادت)

یکی از حالات شبیه به تعدد واقعی، جرم به عادت است که به تعبیر برخی از حقوقدانان این جرم از چند عمل مشابه تشکیل می‌شود که هر یک به تنهایی جرم نبوده و قابل مجازات نیست ولی چنانچه تکرار شود، مجموع آن اعمال جرمی را به وجود می‌آورد و قابل مجازات می‌گردد (افراسیابی، ۱۳۷۷، ۳۱۹). مانند جرایم ولگردی، تکدی‌گری و کلاشی که در ماده ۷۱۲ ق.م.ا.ت ۱۳۷۵ جرم انگاری گردیده است. با این حال مفهوم جرم به عادت در حقوق کیفری ایران اساساً قابل تأمل است؛ زیرا جرایمی که به عنوان جرم به عادت در کتب و دکترین حقوقی معرفی شده‌اند، با یک مرتبه ارتکاب نیز قابل تحقق می‌باشند. برای مثال مفهوم تکدی‌گری یک وصف و حالت مستقل است که با یک مرتبه فعل تکدی بر شخص متکدی عارض می‌شود و نیازمند تکرار نیست. در موضوع مورد بحث «عرف» به عنوان یکی از منابع مهم حقوق جزا، شخصی را که بساط خود را در خیابان گسترانیده و حتی برای یک مرتبه اقدام به تکدی نماید، در حال تکدی‌گری و به عنوان متکدی می‌شناسد. براین اساس این موضوع که چنانچه در برخی موارد رفتار مشابه برای بار دوم تکرار شود جرم به عادت است و برای بار اول جرم می‌باشد، از نظر مبنا قابلیت تحلیل و بررسی بیشتری دارد. با این حال و بر فرض پذیرفتن جرم به عادت در حقوق ایران، عمل مرتکب در مرحله

<sup>۱</sup> تبصره ماده ۵۱۰: «هرکس بدون آنکه جاسوسی کند و یا جاسوسان را مخفی نمایند افرادی را به هر نحو شناسائی و جذب نموده و جهت جاسوسی علیه امنیت کشور به دولت خصم یا کشورهای بیگانه معرفی نماید به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود».





اول به تنهایی جرم نیست و تمایز آن از تعدد واقعی در این نکته است که در تعدد واقعی هر کدام از رفتارهای مجرمانه به صورت مستقل قابل رسیدگی کیفری بوده و چنانچه رفتارهای دوم یا بعدی به هر علت قانونی قابلیت رسیدگی نداشته باشد، رفتار اول به تنهایی جرم محسوب و قابلیت تعقیب کیفری دارد.

### ۳-۴- انتفاء اضمحلال رفتار مقدم در مؤخر (نفی جرایم مقدمه)

مطابق با دیدگاه غالب دکترین حقوقی برخی از جرایم به عنوان مقدمه جرم دیگری محسوب می‌شوند و مرتکب در زمان رسیدگی و محاکمه به جرم مقدمه محکوم نمی‌شود. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز طی یک نظریه مشورتی<sup>۱</sup> این موضوع را تایید نموده است و به عبارتی تعدد جرم را در چنین مواردی منتفی می‌داند. به عنوان مثال چنانچه فردی به منظور سرقت از منزل مرتکب تخریب درب ورودی شود، به مجازات جرم مقدمه یعنی تخریب عمدی درب محکوم نمی‌شود و صرفاً مجازات جرم سرقت از منزل در مورد وی اعمال می‌شود. به نظر می‌رسد که در این رابطه نمی‌توان به طور مطلق از مجازات مرتکب جرم مقدمه انقضای نمود؛ زیرا چنانچه قائل به این عقیده باشیم، در جرم قتل از طریق اسلحه غیرمجاز نیز می‌بایست از اتهام حمل و نگهداری سلاح غیرمجاز چشم پوشی نمود و این در حالی است که دکترین حقوقی و رویه قضایی نظر بر خلاف این عقیده دارد. از این رو به نظر می‌رسد که باید قائل به تفکیک شد و زمانی جرم مقدمه را باید در جرم نهایی قابل اضمحلال دانست که تنها طریق ضروری ارتکاب جرم مؤخر باشد. بر همین اساس تا زمانی که جرم سرقت از منزل از طریق باز کردن درب ورودی با کلید یا بالا رفتن از دیوار ممکن باشد و با این وجود مرتکب اقدام به تخریب درب ورودی نماید، به جرم تخریب عمدی درب نیز محکوم شود ولی چون جرم ورود غیرمجاز به منزل دیگری از مقدمات ضروری برای جرم سرقت از منزل بوده و جایگزین دیگری ندارد، سارق به این جرم محکوم نمی‌شود.

در نهایت از طریق شناخت حالات مختلف جرم مقدم و مؤخر استنباط می‌شود در مواردی که جرم مقدمه به عنوان تنها راه بدون جایگزین جرم مؤخر محسوب نگردد، قواعد تعدد جرم جاری می‌شود.

<sup>۱</sup> نظریه مشورتی ۴۵۵-۱۸۶/۱-۹۲ اداره حقوقی قوه قضاییه مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۳: «نظریه اینکه مقنن در ماده ۷۰۲ اصلاحی مصوب ۱۳۸۷/۸/۲۲ قانون مجازات اسلامی برای تمام مصادیق ساخت، خرید و فروش، حمل و نگهداری و یا در اختیار دیگری قرار دادن مشروبات الکلی مجازات یکسانی تعیین کرده، مضافاً براینکه ممکن است هریک از موارد مذکور مقدمه یا ملازمه با جرم منظور اصلی مجرم باشد، بنابراین در صورت ارتکاب تمامی آنها از جانب یک نفر فقط یک مجازات برای وی تعیین می‌گردد».



## ۴- مصادیق خاص خارج از مفهوم تعدد

در قانون مجازات اسلامی شاهد برخی از مصادیق مجرمانه می‌باشیم که رکن مادی آن‌ها متشکل از رفتارهای مجرمانه متعدد است. در جرایم مذکور مجموع این رفتارها یا افعال، یک رفتار واحد را به عنوان بخشی از رکن مادی تشکیل می‌دهند و در نهایت به همراه سایر ارکان جرم منجر به تحقق یک جرم واحد می‌شوند. به عبارت دیگر هر یک از این رفتارها یا افعال به صورت مستقل وصف مجرمانه دارند اما گاهی ارتکاب متعدد آن‌ها تحت شرایطی موجب تحقق یک عنوان مجرمانه خاص می‌شود و مقررات تعدد جرم در مورد آن‌ها جاری نمی‌شود. برای نمونه می‌توان به جرایمی مانند افساد فی الارض، نهب و غارت و تخریب دسته جمعی اموال و بغی اشاره نمود. در تأیید این مطلب می‌توان به بند (د) ماده ۱۳۴ ق.م.ا. ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۹ اشاره کرد. متن این مقرر بدین شرح است: «در صورتی که مجموع جرایم ارتكابی در قانون، عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد مقررات تعدد جرم اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود». در ادامه برخی از مصادیق قانونی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۴-۱- افساد فی الارض و حقوق و مطالعات نوین

رکن قانونی جرم افساد فی الارض در ماده ۲۸۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ ذکر شده است و عبارت است از «هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد. تبصره- ...». ایرادی که بر این مستند قانونی وارد می‌باشد آن است که ضابطه تعیین مفاهیمی چون «گسترده، شدید، عمده و وسیع، وجود ندارد و مشخص نمی‌باشد که ارتکاب چند مرتبه از رفتارهای مذکور در ماده منجر به احراز اوصاف مذکور می‌گردد. با این اوصاف مجموع رفتارهای ارتكابی مذکور در ماده ۲۸۶ در حد وسیع و گسترده موجب تحقق یک عنوان مجرمانه افساد فی الارض می‌شود و مجازات آن اعدام می‌باشد بنابراین مشمول قواعد تعدد جرم نمی‌باشد. در برخی حالات این جرم ممکن است با چالش مواجه شویم. فرض شود چنانچه شخصی شروع به جرم افساد فی الارض نماید مثلاً مرتکب ده فقره جرم نشر اکاذیب شود در حالی که این تعداد، جرم تام افساد فی الارض محسوب نگردد، سوال آن است آیا موضوع مشمول



مقررات شروع به جرم افساد فی الارض می شود یا اینکه مقررات تعدد جرم بر آن حاکم است؟ در جواب باید عنوان داشت که قانون گذار در این خصوص ضابطه مشخصی ندارد اما می توان دو راهکار جهت رفع این چالش را ارائه نمود: راهکار اول، آنکه می توان از ملاک و معیار تعدد اعتباری که منجر به تعیین و اجرای مجازات اشد است، استفاده نمود. بدین معنی که بین شروع به جرم و تعدد جرم آن را که منجر به تعیین مجازات اشد می شود را انتخاب کرد و در اینجا شروع به جرم افساد فی الارض دارای مجازات اشد است. البته شروع به جرم در اینجا خود نیز مستلزم وجود دوشروط است؛ شرط اول شروع به رکن مادی جرم شده باشد و شرط بعدی لزوم احراز قصد مجرمانه مرتکب برای جرم افساد می باشد. راهکار دوم، اینکه باید در نظر داشت در کشور ما اصولاً سیاست جنایی متمایل به مفهوم جنایی شرعی است و حقوق کیفری موضوعه در حاشیه سیاست جنایی اسلام تعریف شده است. اصل ۴ قانون اساسی<sup>۱</sup> نیز مؤید این موضوع است که کلیه قوانین و مقررات می بایست بر اساس موازین اسلامی باشد. به همین سبب می توان گفت نشر اکاذیب به عنوان یک جرم تعزیری نسبت به جرم حدی افساد فی الارض اخف محسوب می شود و جرم افساد که صبغه ی شرعی دارد در این جا مقدم است؛ براین اساس می توان گفت شروع به جرم حدی بر تعدد جرم تعزیری ارجحیت دارد.

## حقوق و مطالعات نوین

۴-۲- بغی

قانونگذار در ماده ۲۸۷ ق.م.ا. ۱۳۹۲ وصف «گروهی بودن» را از شرایط تحقق بغی برشمرده و چنین مقرر داشته است: «گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند باغی محسوب می شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می گردند». یکی از مهمترین شرایط تحقق جرم بغی قیام مسلحانه توسط تعدادی از افراد است که وصف «گروه» بر آنان اطلاق می شود. از نظر عرف گروه یا جمع به عده ای از افراد با تعداد سه نفر یا بیشتر اطلاق می شود. با این فرض چنانچه گروه باغی متشکل از ده نفر باشد و حداقل سه نفر از آنها در مقابل اساس حکومت قیام مسلحانه نموده باشند، تمام اعضای این گروه به مجازات اعدام محکوم می شوند.

<sup>۱</sup> اصل ۴: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.»



ایراد قابل تأمل پیرامون مجازات جرم بغی، تعیین مجازات اعدام توسط قانون گذار برای تمامی اعضای گروه باغی است که خلاف اصل شخصی بودن مجازات به نظر می رسد. برای مثال اگر تعداد سه نفر بیشتر از اعضای گروه باغی در شهر مرکز (پایتخت) جمهوری اسلامی در برابر اساس حکومت قیام مسلحانه نموده و اعضای دیگر اطلاعی از این موضوع نداشته باشند و زمان قیام مسلحانه در شهرهای دیگری غیر از شهر مرکز به سر ببرند، طبق مقررہ ی قانونی مذکور همگی این اعضاء به اعدام محکوم می شوند. در مبانی فقهی نیز در رابطه با بغی و شرایط تحقق آن و تعداد افراد لازم که مبادرت به قیام مسلحانه می کنند، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد که در ذکر آنها در این مقال ضروری نمی باشد. همچنین قاعده فقهی و قرآنی «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»<sup>۱</sup> نیز موید این نکته است که هر کس مرتکب گناه یا جرمی شود، خود شخص مرتکب مسئول این رفتار می باشد و شخص دیگری مستحق عقوبت نمی باشد. با ذکر این مقدمات مذکور مبین است که در جرم بغی نیز مجموع رفتارهای مادی ارتكابی توسط گروه باغی، گویی رفتار واحد محسوب و منجر به تحقق جرم واحد بغی می شود که از شمول مقررات تعدد جرم خارج می باشد.

#### ۴-۳- نهب و غارت و تخریب دسته جمعی

جرم انگاری عنوان مجرمانه نهب و غارت موضوع ماده ۶۸۸ ق.م.ا.ت ۱۳۷۵ برخلاف اصول کلی حقوق جزای عمومی است؛ زیرا که مطابق با اصول مذکور ۱- زمانی که رفتار مجرمانه واحد و مرتکب نیز واحد باشد، یک جرم محقق می شود. ۲- و در صورتی که رفتار متعدد و مرتکب واحد باشد، تعدد جرم حاصل می شود. متن مقررہ مذکور عبارت است از «هر نوع نهب و غارت و اتلاف اموال و اجناس و امتعه یا محصولات که از طرف جماعتی بیش از سه نفر به نحو قهر و غلبه واقع شود چنانچه محارب شناخته نشوند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد». قانونگذار در جرم مذکور قائل به نوعی مسئولیت کیفری تضامنی برای تمامی مرتکبین شده است و آن را جایگزین تعدد جرم نموده است. به عنوان مثال اگر چهار نفر یا بیشتر به صورت قهر و غلبه به منزل شخص دیگری حمله کرده و هر کدام از آنها یک یا چند مال را غارت یا تخریب نمایند، صرف نظر از اینکه هر کدام از مرتکبین رفتارهای مجرمانه خود را نسبت به چه تعداد از اموال اعمال نموده اند، یک اتهام واحد متوجه همگی آنان می باشد و در نتیجه مسئولیت کیفری یکسان دارند. در این مستند قانونی به نوعی شاهد تعدد نتیجه می باشیم، صرف نظر از آنکه هر یک از مرتکبین رفتار واحد یا

<sup>۱</sup> قرآن کریم، سوره فاطر، آیه ۱۸.



متعدد مجرمانه داشته باشند؛ اما همانگونه که اشاره گردید تمامی این رفتارهای ارتكابی مشمول یک عنوان اتهامی واحد (نهب و غارت) می گردد.

# حقوق و مطالعات نوین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## نتیجه گیری

عنوان تعدد جرم در حقوق جزای عمومی ایران از ابتدای تصویب قوانین جزایی تا کنون مشمول تغییرات گوناگونی بوده است. این تغییرات در قالب آثاری مانند تشدید مجازات، تجمیع مجازات ها، تعیین مجازات بیشتر از حداکثر مجازات و افزایش حداقل مجازات تا میانگین حداقل و حداکثر نمایان گردیده است. یکی از گونه های تعدد جرم، تعدد واقعی می باشد که در نتیجه ارتکاب رفتارهای مجرمانه متعدد توسط مرتکب محقق می شود. قانونگذار تعدد جرم را به عنوان نشانه حالت خطرناک در مرتکب جرم مفروض دانسته است و بر این اساس تشدید مجازات را به عنوان واکنشی مناسب پیش بینی نموده است؛ اما ایرادی که بر این پاسخ تقنینی وارد می باشد آن است که پاسخ مقنن برای تمام مجرمین بدون در نظر داشتن شخصیت مجرمانه مرتکب، نوع جرم و نحوه ارتکاب جرم پاسخی یکسان است و به این جهت که در کاهش جرم و جلوگیری از تکرار جرم فاقد تاثیر مناسب بوده، از منظر جرم‌شناسی محل خدشه و ایراد می باشد. از سوی دیگر در تعدد افعال مجرمانه اصل بر تعدد واقعی جرم است اما در مواردی این نوع تعدد با برخی جرایم واحد، دارای شباهت است که ممکن است در مقام تشخیص و تفکیک چالش‌هایی را ایجاد نماید. وجه تشابه مذکور در مورد جرایم مشابه با تعدد واقعی، گاه در اثر اوصاف و ماهیت جرم است مانند جرم مستمر که یک رفتار واحد در طول زمان استمرار دارد و در مواردی هم به جهت تعدد افعال مجرمانه مانند جرم افساد فی الارض است، که با وجود تعدد افعال مجرمانه تنها یک جرم محقق می گردد. این موضوع در بند (د) ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، اصلاحی ۱۳۹۹ مورد اشاره قرار گرفته است. مطابق با این مقرر «در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود». از جمله وجوه افتراق تعدد واقعی جرم با جرایم مشابه با تعدد، آن است که در تعدد واقعی وصف مجرمانه هر یک از رفتارهای مجرمانه تغییری ندارد و صرفاً در مرحله تعیین و اجرای مجازات تشدید صورت می‌گیرد؛ در حالی که در جرایم مشابه ممکن است با تغییر عنوان مجرمانه مواجه شویم. برای مثال نشر اکاذیب متعدد و در حد وسیع با حصول سایر شرایط می‌تواند موجب حصول عنوان مجرمانه افساد فی الارض شود. همچنین اینکه جرایم مشابه به عنوان مصادیقی استثنایی از شمول تعدد جرم خارج و توسط مقنن احصاء و مشخص گردیده اند و این نکته که مبتنی بر نص قانونی مذکور است، می‌تواند در مقام تفکیک تعدد واقعی از جرایم مشابه به عنوان راهکاری مفید مدنظر قرار گیرد.



## منابع

قرآن کریم

- ۱- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۰)، حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، ویرایش دوم، تهران.
- ۲- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، ویرایش اول، تهران.
- ۳- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۴)، حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، ویرایش سوم، تهران.
- ۴- افراسیابی، محمد اسماعیل، (۱۳۷۷)، حقوق جزای عمومی، انتشارات فردوس، ویرایش دوم، تهران.
- ۵- بابایی، محمدعلی، (۱۳۹۸)، جرم شناسی بالینی (تحولات مفهوم حالت خطرناک)، انتشارات میزان، ویرایش سوم، تهران.
- ۶- بسامی، مسعود، (۱۳۹۳)، تعدد اعتباری جرم در رویه قضایی و دکترین، انتشارات خرسندی، تهران.
- ۷- پیمانی، ضیاء الدین، (۱۳۷۴)، بررسی تاریخی و تطبیقی قاعده تعدد جرم، انتشارات معاونت پژوهش، مجتمع آموزش عالی قم، قم.
- ۸- دانش، تاج زمان، (۱۳۷۶)، مجرم کیست و جرم شناسی چیست، انتشارات موسسه کیهان، ویرایش هفتم، تهران.
- ۹- ساداتی، سیدمحمد مهدی، (۱۳۹۶)، «مقاله تعدد جرم در حقوق ایران و آلمان»، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، ۸.
- ۱۰- شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۸۴)، حقوق جزای عمومی، انتشارات مجد، ویرایش دوم، تهران.
- ۱۱- شهید ثانی، (۱۳۷۹)، الروضه البهیه فی شرح اللعنه الدمشقیه، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ویرایش دوم، قم.
- ۱۲- صانعی، پرویز، (۱۳۸۲)، حقوق جزای عمومی، انتشارات طرح نو، ویرایش اول، تهران.



- ۱۳- قاسمی، ناصر، (۱۳۷۴)، اقدامات تامینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران، نشر میزان، ویرایش اول، تهران.
- ۱۴- قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸.
- ۱۵- قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹.
- ۱۶- قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵.
- ۱۷- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰.
- ۱۸- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
- ۱۹- کلانتری، کیومرث و جعفریان سوته، سیدحسین، (۱۳۹۴)، تعدد جرم، انتشارات دانشگاه مازندران، بابلسر.
- ۲۰- کی نیا، مهدی، (۱۳۸۱)، روانشناسی جنایی، انتشارات رشد، جلد اول، ویرایش سوم، تهران.
- ۲۱- متین، احمد، (۱۳۳۰)، مجموعه رویه قضایی قسمت کیفری، انتشارات رهام، تهران.
- ۲۲- محمودی جانکی، فیروز و آقایی، سارا، (۱۳۸۷)، «بررسی نظریه بازدارندگی مجازات»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۸.
- ۲۳- نوربها، رضا، (۱۳۸۵)، زمینه‌ی حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج دانش، ویرایش هفدهم، تهران.
- ۲۴- الهام، غلامحسین، (۱۳۷۲)، مبانی فقهی و حقوقی تعدد جرم، انتشارات بشری، تهران.
- ۲۵- یزدیان جعفریف جعفر، (۱۳۸۵)، مقاله «اصل فردی کردن مجازاتها؛ تبعیضی فاحش یا عدالتی عادلانه تر؟»، مجله فقه و حقوق، ۳.





## Identifying the criteria for distinguishing between real multiplicity and similar criminal examples and evaluating the Legislative response based on dangerous situation

Vahid Bazvand<sup>1</sup> / Hosein Nourmohammadi<sup>2</sup>

### Abstract

Real multiplicity realized as one of the types of multiplicity of crime due to multiple criminal behaviors. The actus reus of some crimes consists of multiple criminal actions, but sum of these actions, in law, leads to a single criminal title and excluded from the concept of multiplicity. This similarity is sometimes due to the multiplicity of independent criminal acts; Like many criminal acts that form a part of the actus reus of crime of corruption in land, and in some cases, due to characteristics and legal nature of these acts, like actus reus of continuous crimes. This similarity with the absence of specific legal regulations sometimes cause challenges in identifying, separating and determining the appropriate criminal response. The correct identification and separation is important in the punishment selection stage and determining level of response to criminal behavior due to the legislator's attention to the fundamental concepts of clinical criminology such as dangerous state. Paying attention to The manner of assembly of the components of the actus reus, the disappearance of the previous behavior in the later and the Decomposition of behavior to the validity of decomposability of subject are the criteria introduced in this research, then the way the legislator reacts in the context of judging the concept of state It is dangerous. Also, has led to the identification of some examples such as corruption in the land, Baghi, attack and looting of property in a collective manner, which will not be under any of the mentioned common concepts.

**keywords:** multiplicity of behavior, compound and multiple behavior, differential diagnosis, similar criminal cases, dangerous state.

<sup>1</sup> PhD student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Crime Prevention and Correction and Training, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran. (Corresponding author)

vahidbazvand70@gmail.com

<sup>2</sup> Ph.D. student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

hosein.normohamadi96@gmail.com

